

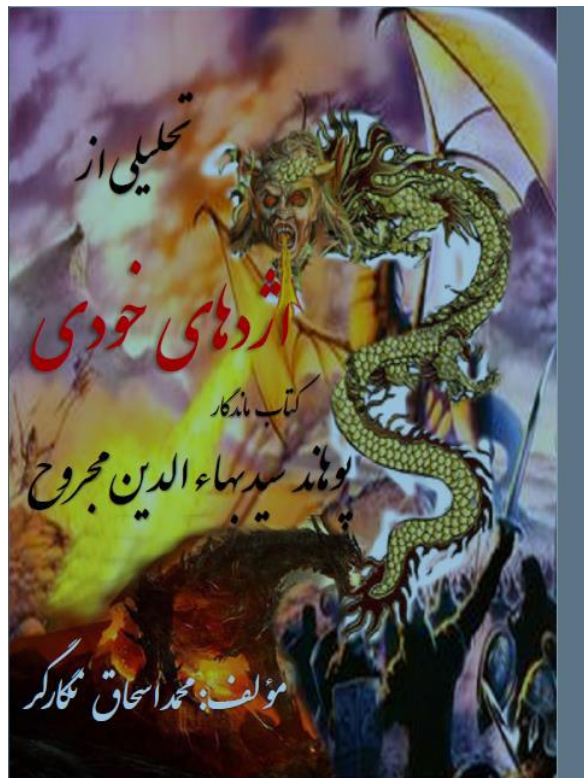


۲۰۱۸/۰۵/۱۱



م. اسحاق نگارگر

تخلیبي از اژدهای خودی



قسمت بیست و یکم

تحلیلی از اژدهای خودی کتاب ماندگار پوهاند بهاء الدین مجروح



اژدهای خودی



دیوانه زنجیر کسرا

قسمت بیست و یکم

سلطنت های خود کامه و متکی به زور و دیکتاتوران راست و چپ که در عوالم خودی مطلق مانند مردی سیه مست آنچه را در ظاهر امر می بینند بدان اعتقاد راسخ پیدا می کنند و تنها آن وقت ذهن شان پرده از روی حقیقت بر می دارد که از آسمان قدرت و مکننت بر زمین مذلت خورده باشند.

قدرتمند هرگز به حقیقت نمی رسد زیرا که عامه مردم از ترس به او دروغ می گویند و خود اسیر عقلِ مصلحت بین استند و آنکه راست می گوید آن کس است که از حصارِ عقلِ مصلحت بین بیرون آمده است و دیگران او را دیوانه می خوانند و چون این گونه دیوانه ناگزیر سر و کارش به قید و زنجیر می افتد، اُستاد مجروح او را دیوانه زنجیرگرا می خواند و قصه می کند که در ایام پیشین یک فرماندار جبار که لشکر ترس و بیم را بر شهری مسلط گردانیده بود؛ شبی در محفلِ عیش و سرور نشسته بود به حکیم دربار خود گفت:

"در این کشور پهناور هیچ انسان بیرون از قلمرو فرمان من نیست و جان و مال همه در اختیار من است".

حکیم که خود در آن شب سری از باده گران داشت و کاملاً هوشیار نبود شوق راستگویی در او بیدار شده بود گفت:

"فرمانروا به جا می فرمایند!"

مال و ثروت این دیار در چنگال قدرت شهریار است... اما ای فرمانروای بی همتا! بدان که درون همین کشور پهناور قلمرو بزرگ تری پنهان است که از سلطه فرمان تو بیرون مانده است." فرمانروا می پرسد: "بگو چنین سرزمین نافرمان در کجاست؟" حکیم می گوید:

آن قلمرو تسخیر نشده قلمرو دل هاست! مردم از بیم خشم و غضب جلادان تو تسلیم به حکم و فرمان تو استند و اما گنجینه های دوستی ها و محبت های خود را از تو پنهان نگاه داشته اند." فرمانروا در اندیشه می رود و می گوید: "این سرزمین را نیز تسخیر باید کرد."

می دانیم که مستبدان متکی بر قدرت مطلق نیز همانند گریه عبید زاکانی در داستان موش و گریه گاه زاهد می شوند و قدرت مطلق را در جامه دموکراسی و فرهنگ تحمل مخالفان پنهان می نمایند تا همانند گریه زاهد پنج پنج تا بگیرند. مگر مائوتسه تونگ نبود که می گفت:

"بگذار صد گل بشگفت و صد مکتب با هم رقابت کند." مگر در میان دکتاتوران خود ما یکی نبود که شب ها مردم را دسته دسته به گشتارگاه ها می فرستاد ولی روزها درفش مصونیت و قانونیت بر می افراشت؟ مگر دیکتاتوری پرولتاریا خود یک قدرت مطلق نیست که آزادی مطبوعات و احزاب را خفه و خود همان ساز یکنواخت حکومت تمام خلقی را در سرنی پُف می کند؟ به هر صورت فرمانروای داستان اُستاد مجروح نیز فرمانی صادر می کند که:

"دوران ترس و بیم با صدور این فرمان پایان می یابد و عصر محبت و دوستی آغاز می گردد. ای شهریان خوشحال و خندان بسر برید و با فرمانروای خود از جان و دل محبت ورزید زیرا فرمانروا دوست شماست." دیوانه ای که در شهر می زیست در تالار بزرگ دربار رفت و خطاب به فرمانروا گفت:

"من فرمان ترا از جان و دل پذیرفتم و اینک آمده ام تا با تو پیمان دوستی بندم آیا تو خود را آماده این کار کرده ای؟" دانشمند دربار از شنیدن این سخن لبخندی زد، زیرا معنای آنرا دریافت و اما فرمانروا چون به مطلب پی نبرد، پرسید:

بگو منظورت چیست؟"

دیوانه در پاسخ گفت:

"ای فرمانروا! در دوران خشم و غضب، یکی ترساننده بود و دیگران ترسیدگان، ترساننده اگر دردا اوهام ترس آور خویش گرفتار آید، شاید گاهی از خود بترسد ولی از ترسیدگان هرگز هراسی ندارد، زیرا ترسیدگان نمی توانند ترساننده را بترسانند. ترسیدگان را ترس با هم نزدیک می سازد و در نهانخانه دل های همدیگر راه می یابند و اما ترساننده هرگز نمی تواند با ترسیده پیمان دوستی بندد زیرا، ترساننده ترسیده را حقیر و بنده اسیر می شمارد و شاید

بخواهد او را چون زیر دستی زیر سایه خود حمایه نماید اما نمی تواند او را چون همدستی، دوست و همپایه خویش بپذیرد".

دیوانه اندکی مکث کرد و فرمانروا بار دیگر پرسید:

"بگو منظورت چیست؟"

دیوانه به کلام خود چنین دوام داد:

"ای فرمانروا! بدان که فطرت حاکمیت، حاکمان را محکوم ساخته است که هرگز در جهان، دوستی نیابند، زیرا حاکم با حاکمان همپایه خویش رو به رو است و آنها دشمنانند و رقیبان جاه و مقام او و یا با زیردستانی سر و کار دارد که باید بندگان وفادار و آماده خدمت و کار باشند، نه دوستان شریک اسرار - فرمانروایی و سروری با دوستی و دلبری نمی آمیزد".

یادداشت امروز را در این جا به پایان می رسانم و به عنوان توضیح عرض می کنم که استاد می گویند:

"ترساننده اگر در دام او هام ترس آور خویش گرفتار است شاید از خود بترسد" و منظور این است که فرمانروا فرعون هم که باشد معمولاً گرفتار این توهم است که اگر موسایی پیدا شد و قدرت او را به مبارزه خواست و یا درب رابر دیگران به او گفت:

"تو آن نیستی که می نمایی" آن گاه است که دیگران نیز در قدرت او شک می کنند. برای همین است که فرعون می خواهد موسی را نابود کند و نمرود ابراهیم (ع) را در آتش می افکند. یعنی ترس ترساننده از دیوانه زنجیر گرا است و شاید به همین دلیل است که بیدل می گوید:

به کام عشرتم گر و گذارد گردش دوران

دو عالم می دهم برباد و یک دیوانه می سازم

تا فرصت دیگر خدا (ج) یار و مددگار همه دوستان باد. هنوز داستان دیوانه زنجیر گرای ما به پایان نرسیده است و دنبال ماجرا را باز می گیرم. والله اعلم بالصواب. نگارگر ۲۹ اپریل ۲۰۱۴



قسمت های اول تا بیستم این مطلب را با باز نمودن اینک های پایان می توانید مطالعه فرمائید:

قسمت اول:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱.pdf

قسمت دوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲.pdf

قسمت سوم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_۳.pdf

قسمت چهارم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_۴.pdf

قسمت پنجم:

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_ajdahay_khodi_۵.pdf

قسمت ششم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madirouh_۶.pdf

قسمت هفتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۷.pdf

قسمت هشتم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۸.pdf

قسمت نهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۹.pdf

قسمت دهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۰.pdf

قسمت یازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۱.pdf

قسمت دوازدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۲.pdf

قسمت سیزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۳.pdf

قسمت چهاردهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۴.pdf

قسمت پانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۵.pdf

قسمت شانزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۶.pdf

قسمت هفدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۷.pdf

قسمت هژدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۸.pdf

قسمت نوزدهم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۹.pdf

قسمت بیستم

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۰.pdf

